

Effectiveness of the Object-relations Couple Therapy on Marital Satisfaction of Divorce Applicant Couples with Higher Level Borderline Personality Organization: An Experimental Study Considering the role of Executive Functioning

Safavi, S., Makvand-Hosseini, *Sh., Sabahi, P., Mohammadhani, P.

Abstract

Introduction: The aim of this research was to determine the effectiveness of *Object-relations Couple Therapy* on marital satisfaction of divorce applicant couples with higher-level personality organizations, considering the role of executive functioning.

Method: Among the society of divorce applicant couples a total sample of 90 individuals, referred to counseling centers in Tehran, was selected using a purposeful sampling method. Participants were screened by *STIPO* structured interview for their levels of personality organization, and a sample of 48 individuals with higher-level personality organization was selected and randomly divided into control and experimental groups. After attrition experimental and control groups respectively included 11 and 8 couples. The experimental group received 14 sessions of *Object-relations Couple Therapy*, while the control group remained on the waiting list. Research tools included the *Wisconsin Card Classification Test* and the *Enrich Marital Satisfaction Scale*. Data were extracted and analyzed by a *Multivariate Analysis of Covariance*.

Results: Significant positive effects were found for marital satisfaction and its components in the post-intervention stage ($P < 0.001$). Significantly better results were also evident for couples with higher executive function scores ($P < 0.001$) as well.

Conclusion: It could be concluded that *Object-relation Couple Therapy* could promote the marital satisfaction of couples with higher-levels of borderline personality organization, and executive functioning can positively moderate the therapeutic effects.

Keywords: executive functioning, personality organization, marital satisfaction, object-relations couple therapy.

اثربخشی زوج درمانی مبتنی بر روابط موضوعی بر رضایت زناشویی زوجین متقاضی طلاق با سازمان شخصیت مرزی خفیف: یک مطالعه آزمایشی با توجه به نقش تعدیل کننده‌ی کارکرد اجرایی

ساحره صفوی^۱، شاهرخ مکوندحسینی^۲، پرویز صباحی^۳، پروانه محمدخانی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۹

چکیده

مقدمه: هدف پژوهش حاضر تعیین اثربخشی زوج درمانی روابط موضوعی بر رضایت زناشویی زوجین متقاضی طلاق دارای سازمان شخصیت مرزی خفیف با توجه به نقش عملکرد اجرایی بود.

روش: از میان زوجین متقاضی طلاق مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر تهران، به صورت هدفمند یک نمونه کل ۹۰ نفره انتخاب شد. افراد توسط مصاحبه ساختاریافته STIPO برای ارزیابی سازمان شخصیت غربالگری شدند و نمونه ای شامل ۴۸ نفر از زوجین با سازمان شخصیت مرزی خفیف انتخاب و به صورت تصادفی به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم گردیدند. پس از ریزش نمونه ۱۱ زوج در گروه آزمایش و ۸ زوج در گروه کنترل باقی ماندند. گروه آزمایش ۱۴ جلسه زوج درمانی روابط موضوعی دریافت کردند، و گروه کنترل در لیست انتظار باقی ماندند. ابزار پژوهش شامل آزمون دسته‌بندی کارت‌های ویسکانسین و مقیاس رضایت زناشویی انریچ بود. داده ها استخراج و به روش تحلیل کواریانس چند متغیره تحلیل گردیدند.

یافته‌ها: اثرات مثبت معناداری در مرحله‌ی پس‌آزمون بر رضایت زناشویی و مؤلفه‌های مشاهده گردید ($P < 0.001$). بعلاوه در افراد با عملکرد اجرایی بالاتر، اثربخشی درمان به صورت معناداری بالاتر بود ($P < 0.001$).

نتیجه‌گیری: می‌توان نتیجه گرفت که زوج درمانی روابط موضوعی می‌تواند رضایت زناشویی زوجین دارای سازمان شخصیت مرزی خفیف را بهبود بخشیده و عملکرد اجرایی بالاتر می‌تواند در اثربخشی درمان نقش تعدیل کننده مثبت ایفا کند.

واژه‌های کلیدی: رضایت زناشویی، زوج درمانی روابط موضوعی، سازمان شخصیت مرزی خفیف، عملکرد اجرایی.

مقدمه

پایداری و ثبات خانواده به ازدواج مناسب و ارتباط رضایت بخش بستگی دارد. به عبارتی ازدواج ناموفق یا هر نوع نارضایتی زناشویی، موجب بهم خوردن آرامش روانی زوجین گردیده و پایداری خانواده را تهدید می‌کند (۱). زوجین سازگار از زندگی زناشویی، جنسی و شخصیت شریک زندگی خود رضایت دارند و در مواجهه با مشکلات به ارتباط سازنده و حل مسأله روی می‌آورند (۲).

پدیده‌ی طلاق به عنوان یکی از معتبرترین شاخص‌های نارضایتی در روابط زناشویی، نوعی گسستگی عاطفی و ارتباطی میان زوجین و یا حداقل یکی از زوجین می‌باشد (۳). رضایت زناشویی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های تعیین عملکرد خانواده است و پژوهشگران آن را، احساس عینی خشنودی و لذت زن و شوهر از تمامی روابط، تعریف کرده اند. در واقع رضایت زناشویی از یک رابطه را ارزیابی ذهنی فرد از آن رابطه و سازگاری درونی و بیرونی زن و مرد می‌دانند. به علاوه رضایت زناشویی به معنای رضایت و انطباق افراد با ارتباط زناشویی و حل تعارض است (۴).

مطالعات زیادی نشان می‌دهند که رضایت و تعارضات زناشویی بیشترین تأثیر را از ویژگی‌ها یا ساختارهای شخصیتی می‌پذیرند (۵). لذا به نظر می‌رسد یکی از مداخلات مؤثر برای تحکیم خانواده و ترمیم خانواده‌های در حال طلاق، بهبود ساختارهای شخصیتی زوجین و اصلاح الگوهای ارتباطی آنان باشد (۶ و ۷).

کرنبرگ، در نظریه روابط موضوعی معروف خود، سطوح آسیب شخصیتی افراد را با توجه به وضعیت فرد در شش ساختار مهم هویت، روابط ابژه، مکانیسم‌های دفاعی، پرخاشگری، ارزش‌های اخلاقی و خودشیفتگی، محک می‌زند (۸). وی سه سطح مرزی^۱ (BPO)، نوروتیک^۲ (NPO) و سالم سازمان شخصیت را معرفی کرده اس (۹). لذا سطوح آسیب به دو دسته‌ی اصلی تقسیم می‌شود. سطح اول کمترین شدت را دارد و به آن سطح نوروتیک سازمان شخصیت گفته می‌شود. شخصیت افراد در این سطح خشک و ناسازگار است، اما هویت یکپارچه، واقعیت آزمایی سالم و مکانیسم‌های دفاعی عمدتاً سرکوبی است. در قیاس در سطح

دوم یا سطح شدید که به آن سطح مرزی سازمان شخصیت گفته می‌شود، افراد علاوه بر انعطاف‌ناپذیری شخصیت، آسیب هویتی و واقعیت آزمایی قابل توجه بالینی دارند. به علاوه مکانیسم‌های دفاعی‌شان ضعیف‌تر و دونیم‌سازی و تجزیه غلبه دارد (۸). در تقسیم‌بندی‌های اخیرتر کرنبرگ و همکاران در سال ۲۰۱۹ (۱۰)، سطح مرزی آسیب‌دیدگی شخصیت را به سه بخش پیش‌رونده تقسیم کرده‌اند و گمان می‌رود بسیاری از افرادی که مشکلات جدی در روابط خانوادگی، زناشویی، شغلی، تحصیلی و... دارند، در این سطح قرار بگیرند. مطالعات حاکی از این است که زوجینی که از مشکلات شخصیتی رنج می‌برند، راهبردهای منطقی و مشخصی برای خروج از مسائل را نداشته و در رویارویی با مشکلات زندگی روزمره و تبعات آن آسیب‌پذیرتر می‌شوند، که حاصل آن نارضایتی زناشویی و حتی طلاق است (۱۱).

نظریه‌پردازان روابط موضوعی تجارب آغازین با افراد مهم زندگی را امری تعیین کننده در شکل‌گیری شخصیت و الگوهای ارتباطی فرد قلمداد می‌کنند که در سراسر زندگی نسبتاً ثابت باقی می‌مانند و آسیب‌شناسی براساس این الگوهای درونی شده تبیین می‌گردد (۱۲). برای مثال، مندلسون (۱۳)، در پژوهشی به بررسی روابط موضوعی در زوجین پرداخت و پنج نوع روابط موضوعی (از جمله روابط انگلی^۳، همزیستی^۴، خودشیفته‌گرایانه^۵، خواهر و برادری^۶ و رابطه ادیبی^۷) را در زوجین توصیف نمود. بعلاوه فلاح‌زاده و همکاران (۶) نیز در پژوهشی به بررسی مقایسه‌ای روابط ابژه در افراد متقاضی طلاق و غیر متقاضی طلاق پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که زوجین غیر متقاضی طلاق در مقایسه با زوج‌های متقاضی طلاق در مؤلفه‌های مربوط به روابط موضوعی، با کسب نمرات پایین‌تر در وضعیت مطلوب قرار دارند و روابط موضوعی مثبت‌تری دارند، در حالی که در زوج‌های متقاضی طلاق، نقص در روابط موضوعی مشاهده می‌شود. بعلاوه نقص در روابط ابژه می‌تواند موجبات کاهش رضایت‌مندی از رابطه، و همچنین احتمال گسستگی روابط زناشویی را بالا ببرد.

3. parasitic
4. symbiotic
5. narcissistic
6. sibling
7. oedipal

1. borderline level of personality organization
2. neurotic level of personality organization

در مطالعه‌ی خود نشان دادند که انعطاف‌پذیری شناختی مؤلفه‌ی مهمی در ادامه زندگی مشترک و رضایت زناشویی است. به علاوه زوجینی که سیستم بازداری رفتاری فعالی دارند، پرخاشگری خود را درون‌ریزی کرده و خشم زیادی را تجربه کرده و کمتر اشتباهات و خطاهای خود و همسرشان را می‌بخشند (۱۸). کارکردهای اجرایی یک عبارت کلی است که دربرگیرنده گستره وسیعی از فرآیندهای شناختی و رفتاری از جمله توانایی حل مسأله، استدلال، سازماندهی، برنامه‌ریزی، کنترل تکانه و... است، که به افراد برای عملکرد انعطاف‌پذیر اجتماعی کمک می‌کند (۱۹). به واقع کارکردهای اجرایی را می‌توان بیش از هر چیز توانایی انعطاف‌پذیری شناختی و توانایی مدیریت مؤلفه‌های مداخله‌گر در رفتارهای هدف‌گرا و پیش‌بینی پیامدهای ناشی از یک عملکرد دانست (۲۰). منظور از انعطاف‌پذیری شناختی، توانایی انتزاع و تغییر راهبردهای شناختی بر اساس تغییر در بازخوردهای محیطی است که مستلزم برنامه‌ریزی، جستجوی سازمان‌یافته و توانایی استفاده از بازخوردهای محیطی برای تغییر آموخته‌های شناختی می‌باشد (۲۱). در حقیقت، تفاوت‌های فردی در سیستم‌های مغزی - رفتاری و از جمله سطوح عملکردهای اجرایی، ممکن است بر نحوه واکنش همسران در مواجهه با تعارضاتشان تأثیر بگذارد و رفتارهای متفاوتی به دنبال داشته باشد (۱۸).

از این رو هدف پژوهش حاضر، در وهله اول تعیین میزان اثربخشی زوج درمانی روابط موضوعی، بر رضایت زناشویی و مؤلفه‌های آن در زوجین متقاضی طلاق با آسیب‌های سطح نوروتیک شخصیت است. به علاوه با در نظر گرفتن اهمیت عملکردهای اجرایی در کنشوری روانی افراد، یکی دیگر از اهداف پژوهش مطالعه‌ی نقش میانجی احتمالی عملکرد اجرایی زوجین بر درمان موردنظر است. احتمال دارد زوج درمانی روابط موضوعی بر رضایت زناشویی و مؤلفه‌های آن در زوجین با توان اجرایی بهتر، اثربخشی بیشتری داشته باشد. لذا می‌توان سؤال اصلی پژوهش کنونی را اولاً این دانست که درمان روابط موضوعی کدام یک از ابعاد رضایت زناشویی را بیشتر تحت تأثیر قرار خواهد داد، و دوم اینکه عملکرد اجرایی چگونه می‌تواند به عنوان تعدیل‌گری در اثربخشی درمان فوق عمل کند.

زوج درمانی بر مبنای رویکرد روابط موضوعی، یکپارچگی عمیقی بین پویایی‌های فردی و درکی سیستماتیک از زوجها و خانواده گسترده آن‌ها فراهم می‌کند. این درمان بر خاستگاه‌های رشد بین نسلی و مرکزیت روابط تأکید دارد. زوج درمانی روابط موضوعی بر روابط بین دو زوج و با توجه به الگوهای تعاملی و مشارکت هر کدام از آن‌ها تمرکز یافته است، به گونه‌ای که آن‌ها بتوانند به سطح کارکرد مناسب در مراحل زندگی‌شان و صمیمیتی که در جست‌وجوی هستند، به جای نشانه‌هایی که به تنهایی موجب آسایش آن‌ها می‌شوند، برسند (۱۴). این رویکرد، مکان و زمانی در اینجا و اکنون برای کاهش هیجانات منفی شکل گرفته در فرد که زمانی در کودکی همراه با ابژه‌ی خاص درونی شده‌اند، فراهم می‌سازد. این مهم از راه ایجاد و شکل دادن یک ارتباط مناسب و خوب، صحبت درباره خاطره‌ای که ابژه را شکل داده، ورود به عرصه‌ی انتقال، ترمیم ابژه‌های بد درونی شده، کمک به فرد تا این که با سن و پیش‌امروز واقعه‌ی دیروز را بازبینی کند، و رویارویی با مکانیزم‌های دفاعی فرد به منظور کاهش تعارضات و دفاع‌ها صورت می‌پذیرد (۷).

لانداکی و فولی (۱۵)، در پژوهش خود تحت عنوان، درمان زوجین انتخاب شده دارای مبتلا به اختلال شخصیتی در چاقوب درمان روان‌پویشی، به بررسی ویژگی‌های انواع مختلف اختلال شخصیت‌ها و دفاع‌های اختصاصی آن‌ها در حوزه‌ی زوج درمانی پرداختند. علاوه بر این، هنرپروران (۷)، در پژوهش خود به بررسی تأثیر رویکرد تلفیقی ایماگوتراپی و رابطه با ابژه بر کنترل عواطف زوجین خیانت‌کار پرداخت و گزارش کرد که می‌توان از این رویکرد برای کاهش آسیب‌های ناشی از مشکلات زناشویی استفاده‌ی عملی کرد. احمدی و همکاران (۱۶) نیز، در پژوهش خود تحت عنوان بررسی اثربخشی شیوه زوج درمانی ارتباط شیء کوتاه‌مدت بر الگوهای ارتباطی زوجین، نشان دادند که زوج درمانی مبتنی بر رویکرد روابط موضوعی منجر به بهبود الگوهای ارتباطی سازنده در زوجین می‌گردد و پیشنهاد کردند که این رویکرد علاوه بر نقش درمانی، نقشی رشدی و پیشگیرانه نیز دارد.

از سوی دیگر، مطالعات گوناگون در حیطه روابط زوجین نشان می‌دهند که زوجین پرتعارض مشکلاتی در حوزه‌ی عملکردهای اجرایی دارند. عیسی‌زادگان و دوستعلی‌زاده (۱۷)،

روش

طرح پژوهش: پژوهش حاضر در قالب یک طرح نیمه تجربی است که در آن ارزیابی به صورت پیش‌آزمون - پس آزمون همراه با گروه کنترل صورت گرفته است.

آزمودنی‌ها: جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زوجین متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر تهران بودند. برای دسترسی به نمونه‌ی پژوهش در مرحله‌ی ابتدایی، در طرح سراسری غربالگری زوجین متقاضی طلاق شهر تهران، تعداد ۴۵ زوج (۹۰ نفر) متقاضی طلاق با استفاده از مصاحبه‌ی ساختاریافته سازمان شخصیت (STIPO)، غربالگری صورت گرفت و بر مبنای نمره‌ی کسب شده بر مبنای دستورالعمل این مقیاس (نمرات کمتر از ۳ و بیشتر از یک)، افراد با سازمان شخصیت مرزی خفیف، مشخص شدند. هدف و نحوه‌ی اجرای پژوهش برای زوجینی که بر اساس نمره‌ی بدست آمده، دارای سازمان شخصیت مرزی خفیف درجه‌بندی شدند، توضیح داده شد و از بین زوجینی که رضایت‌نامه‌ی آگاهانه برای شرکت در طرح پژوهشی را تکمیل کردند و با کنترل معیارهای ورود و خروج پژوهش، نمونه‌ای شامل ۲۴ زوج، تشکیل و به صورت تصادفی به دو گروه کنترل و آزمایش شامل ۱۲ زوج (۲۴ نفر) تقسیم شدند. ملاک‌های ورود عبارت بود از: دامنه سنی ۱۸ تا ۵۰ سال، وجود حداقل یک سال زندگی مشترک، حداقل تحصیلات دیپلم و ملاک‌های خروج عبارت بود از: مصرف داروهای روان‌پزشکی، وجود اختلال سوء‌مصرف مواد در یکی از زوجین، شرکت در یکی از درمان‌های فردی یا زوج درمانی اخیر. از تمام افراد نمونه، آزمون ویسکانسین و پیش‌آزمون گرفته شد و گروه آزمایش ۱۴ جلسه زوج درمانی روابط موضوعی دریافت کردند ولی روی گروه کنترل مداخله‌ای انجام نگرفت. در نهایت پس از ریزش نمونه، ۱۱ زوج در گروه آزمایش و ۸ زوج در گروه کنترل باقی ماندند که مقیاس‌های پس‌آزمون را تکمیل نمودند. به دلیل آن که تمامی زوجین گروه کنترل در بازه‌ی تعیین شده برای مرحله پیگیری، طلاق گرفته بودند، امکان اجرای مرحله پیگیری، وجود نداشت.

ابزار

۱. نسخه‌ی تجدیدنظر شده‌ی مصاحبه‌ی ساختاریافته‌ی سازمان شخصیت (STIPO-R)^(۲۰۱۶): نوعی مصاحبه است که برای ارزیابی حوزه‌های کارکرد شخصیتی که برای درک شخص از دیدگاه نظریه‌ی روابط موضوعی از شخصیتی و آسیب‌شناسی آن محوری هستند، طراحی شده است. مصاحبه‌ی ساختاریافته‌ی سازمان شخصیت، راهنمایی برای بررسی سطح سازمان شخصیت افراد است که براساس مفاهیم نظریه روان‌پوشی کرنبرگ (۲۳) طراحی شده است. در این مصاحبه شش ساختار شخصیتی: هویت، روابط موضوعی، دفاع‌ها، پرخاشگری، ارزش‌های اخلاقی و خود شیفتگی افراد. نسخه‌ی تجدیدنظر شده این مصاحبه (۲۰۱۵)، نوعی بازبینی از نسخه‌ی اصلی است که برای کوتاه کردن نسخه‌ی بلند آن (۲۰۰۷)، در جهت افزایش کاربرد پژوهشی و بالینی آن، و همچنین اصلاح مواردی که ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوبی نداشتند، مورد تجدیدنظر قرار گرفته است. STIPO-R شامل ۵۵ آیتم است که شش ساختار شخصیتی: هویت، روابط موضوعی، دفاع‌ها، پرخاشگری، ارزش‌های اخلاقی و خودشیفتگی را می‌سنجد (۲۴). با توجه به پاسخ‌های فرد در هر یک از مؤلفه‌های فوق نمره‌ای در دامنه‌ی ۱ تا ۵ به فرد تعلق می‌گیرد که بر اساس خط برش‌های ارائه شده در دستورالعمل این مصاحبه (۲۵)، سطح سازمان‌بندی شخصیت فرد بر اساس نمرات کسب شده تعیین می‌گردد سطح سازمان‌بندی شخصیت فرد بر اساس نمره‌ی کسب شده شامل سازمان‌بندی سالم، نوروتیک و مرزی تعیین می‌گردد که سازمان‌بندی مرزی شخصیت بر اساس شدت آسیب، به سه سطح بالا، میانه و پایین تقسیم می‌گردد که بر اساس نمره‌گذاری ابعادی این مصاحبه، اگر میانگین نمرات فرد در هر یک از شش حوزه‌ی مصاحبه برابر با ۳ باشد، سازمان شخصیت فرد به عنوان یک سازمان شخصیت مرزی سطح بالا طبقه‌بندی می‌گردد. نتایج پژوهش استرن و همکاران (۹) که به ارزیابی خصیصه‌های روانسنجی نسخه‌ی پیشین این مصاحبه پرداخته است، ضرایب همسانی درونی را در دامنه‌ی ۰/۸۴ تا ۰/۹۷ نشان داده است. بعلاوه در پژوهش دورینگ و همکاران (۲۶)، پایایی به روش آلفای کرونباخ برای این مقیاس معادل ۰/۹۷

بر این عقیده است که این پرسشنامه، تغییرات کل دوران زندگی را شامل می‌شود و بعلاوه در این خصوص به تغییراتی که در خانواده‌ها به وجود می‌آید حساس است (۲۹). پرسشنامه‌ی انریچ در ایران توسط سلیمانیان (به نقل از ۳۰)، به صورت فرم کوتاه ۴۷ سؤالی ساخته شده است. درجه بندی سؤالات به صورت طیف لیکرت ۵ درجه‌ای بوده و دامنه‌ی نمرات خام از ۴۷ تا ۲۳۵ که با استفاده از آزمون t دامنه‌ی نمرات استاندارد آزمون بین ۱۲ تا ۷۲ تعیین گردیده است. اعتبار و پایایی این پرسشنامه در پژوهش سلیمانیان بررسی و گزارش شده است. اعتبار ملاک این پرسشنامه را معادل ۰/۸۶ گزارش کرده و پایایی آن نیز به روش آلفای کرونباخ معادل ۰/۹۵ بوده است. در پژوهش حاضر پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ معادل ۷۴/۸ محاسبه گردید و ضرایب همسانی درونی زیرمقیاس‌های آن در دامنه بین ۰/۵۳ تا ۰/۷۶ بدست آمد.

روند اجرای پژوهش: مداخله‌ی زوج درمانی روابط موضوعی، ۱۴ جلسه‌ی ۴۵ دقیقه‌ای به صورت زوجی بر مبنای دستورالعمل دنوان^۲ بود. محتوای جلسات که با استفاده از کتاب زوج درمانی روابط موضوعی (۲۲) طراحی گردید، در جدول ۱ شرح داده شده است و هر کدام از جلسات که در پروتکل مذکور یک‌ونیم ساعت به دو جلسه‌ی ۴۵ دقیقه‌ای تقسیم گردید.

ملاحظات اخلاقی: به جهت رعایت اصول اخلاقی در پژوهش حاضر که از نوع پژوهش‌های مداخله‌ای می‌باشد، معیارها و ضوابط اخلاقی انجمن روانشناسی آمریکا و ملاک‌های اخلاقی سازمان نظام روانشناسی و مشاوره ایران در نظر گرفته شد. پژوهشگر ضمن معرفی خود به شرکت کنندگان، هدف از انجام پژوهش را برای تمامی شرکت کنندگان توضیح داده و اختیاری بودن مشارکت آن‌ها در پژوهش تصریح گردید، به گونه‌ای که از تمامی افراد شرکت کننده رضایت‌نامه کتبی اخذ گردید، درباره رازداری به شرکت کنندگان اطمینان داده شد که همه اطلاعات محرمانه باقی می‌مانند. نکات دیگر مربوط به اخلاق در پژوهش مانند رعایت ارزش‌های اخلاقی در جمع‌آوری داده‌ها، اولویت قرار دادن سلامت روانشناختی شرکت کنندگان، عدم سوگیری در تحلیل داده‌ها و دقت در استناددهی نیز رعایت شده‌اند.

گزارش گردیده است. در پژوهش حاضر نیز، پایایی این مصاحبه به روش آلفای کرونباخ، معادل ۸۶/۸ به و ضرایب همسانی درونی زیرمقیاس‌های آن بین ۰/۵۴ تا ۰/۷۷ بدست آمد.

۲. آزمون دسته‌بندی کارت‌های ویسکانسین^۱: این آزمون به منظور سنجش عملکرد اجرایی، توانایی انتزاع و توانایی تغییر راهبرد شناختی، انعطاف‌پذیری شناختی و حل مسأله، توسط گرت و برگ در سال ۱۹۴۸ طراحی شده است. این گستره پیچیده‌ای از کنش‌های اجرایی شامل برنامه‌ریزی، حل مسأله، استدلال انتزاعی، شکل‌گیری مفاهیم، انعطاف‌پذیری شناختی، و بازداری پاسخ‌های تکانه‌ای را می‌سنجد (۲۷). آزمون ۶۴ کارت با چهار نماد به شکل مثلث قرمز، ستاره سبز، صلیب زرد و دایره دارد و هیچ دو کارتی مشابه یا تکراری نیست. وظیفه آزمودنی این است که بر اساس استنباط آزماینده نسبت به جایگزینی کارت‌ها اقدام نماید. در محاسبه‌ی نتایج آزمون دو عامل بیش از همه در نظر گرفته می‌شود که عبارتند از: ۱. تعداد دسته کارت‌های انجام شده در طول آزمون (تعداد طبقات) که نشان دهنده‌ی پیشرفت آزمودنی و کشف سری شش‌گانه و عملکرد اجرایی کلی است. ۲. خطای پافشاری یا درجاماندگی که به انتخاب‌هایی تعلق می‌گیرد که در آن پس از تغییر قانون آزمون در ده کوشش باز بر پاسخ قبلی پافشاری می‌کند. خطای مذکور شاخص اصلی برای نمایش عدم انعطاف‌پذیری شناختی و از علامت‌های آسیب در نواحی پشتی جانبی قشر پیش‌پیشانی است. پژوهش لزاک (۲۷) اعتبار آن را در ارزیابی نارسایی‌های شناختی (پس از آسیب مغزی) بیش از ۰/۸۶ گزارش کرده است. نادری (به نقل از ۲۷) در ایران اعتبار این آزمون را با استفاده از روش بازآزمایی، در جمعیت ایرانی معادل ۰/۸۵ محاسبه و گزارش کرده است.

۳. پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (۱۹۷۵): این پرسشنامه شامل نه مؤلفه شامل رضایت از موضوعات شخصیتی، رضایت از ارتباط زناشویی، رضایت از حل تعارض، رضایت از مدیریت مالی، رضایت از اوقات فراغت، رضایت از روابط جنسی، رضایت از ازدواج و فرزندان، رضایت از ارتباط با نزدیکان و رضایت از جهت‌گیری مذهبی است. اولسون از این پرسشنامه برای بررسی رضایت زناشویی استفاده نموده و

2. Donovan

1. Wisconsin Card Sorting

جدول ۱) محتوای جلسات زوج درمانی روابط موضوعی

جلسات	عنوان	محتوی
اول	ارتباط، بررسی تعارضات، آشنایی با نظریه روابط موضوعی، اجرای پیش آزمون	معارفه، بستن قرارداد درمانی، بیان هدف جلسه، برقراری ارتباط با زوجین، سنجش و ارزیابی مشکل، توضیح نظریه روانکاوی و نظریه روابط موضوعی، اجرای پیش آزمون.
دوم	بررسی نزاع‌ها	دریافت بازخورد از جلسه قبل، بیان خلاصه جلسه قبل با کمک آزمودنی‌ها، شناسایی حوادث و اتفاقاتی که منجر به نزاع می‌شود، شناسایی احساسات هر یک از زوجین در مورد نزاع و موضعی که هر یک از زوجین در دعوا اتخاذ می‌کنند، ترسیم نقشه ارتباط موضوعی، ارائه‌ی تکلیف، دریافت بازخورد.
سوم	بررسی مثلث تمرکز	دریافت بازخورد از جلسه قبل، مروری بر مطالب و تکالیف جلسه قبل و بحث پیرامون آن‌ها، ترسیم مثلث تمرکز با ذکر مثال، ترسیم ژنوگرامی از خانواده اصلی و مشخص نمودن ویژگی‌های شخصیتی هر یک از والدین، مشخص کردن ویژگی‌هایی که هر یک از خانواده اصلی به زندگی زناشویی آورده‌اند، ارائه‌ی تکلیف، دریافت بازخورد.
چهارم	بررسی مثلث تعارض	دریافت بازخورد از جلسه قبل، مروری بر مطالب و تکالیف جلسه قبل و بحث پیرامون آن‌ها، ترسیم مثلث تعارض با ذکر مثال، شناسایی مکانیسم‌های دفاعی و اضطراب‌ها و احساسات درونی زوجین، بیان این مسأله که همانندسازی همراه با فرافکنی و مثلث تعارض در یک رابطه‌ی چفت و بست شده درونی ایجاد می‌شود، ارائه تکلیف، دریافت بازخورد.
پنجم	تغییر و اصلاح مثلث تعارض	دریافت بازخورد از جلسه قبل، مروری بر مطالب و تکالیف جلسه قبل و بحث پیرامون آن‌ها، بررسی مجدد مثلث تمرکز، اصلاح مثلث تعارض از طریق کاهش شیوه‌های دفاعی زوجین، ارائه‌ی تکلیف، دریافت بازخورد.
ششم	کارکردن بر روی نزاع‌ها و تدبیر راه‌هایی برای حل آن‌ها	دریافت بازخورد از جلسه قبل، مروری بر مطالب و تکالیف جلسه قبل و بحث پیرامون آن‌ها، شناسایی راه‌هایی که زوجین برای کاهش نزاع‌های خود به کار می‌برند، تکنیک‌هایی در مورد بهبود و تقویت رابطه، عواملی که منجر به اشکال در ارتباط می‌شود، ارائه‌ی تکلیف، دریافت بازخورد.
هفتم	جمع‌بندی نهایی و اجرای پس آزمون	دریافت بازخورد از جلسه قبل، مروری بر مطالب و تکالیف جلسه قبل و بحث پیرامون آن‌ها، جمع‌بندی و گفتگو در مورد ساختار شخصیتی زوجین، اجرای پس آزمون.

یافته‌ها

از بررسی‌های آماری به عمل آمده، مشخص گردید که میانگین دو گروه آزمایش و کنترل در مؤلفه‌های سن به ترتیب ۳۰/۳۲ و ۲۹/۶۳، و در مؤلفه‌ی مدت زمان ازدواج به ترتیب ۴/۶۴ و ۴/۴۳ سال می‌باشد. میزان آماره t حاصل از مقایسه فراوانی‌های دو گروه در متغیرهای فوق معنادار نبود ($P < 0/05$)، و لذا گروه آزمایش و کنترل تفاوت معناداری در مؤلفه‌های فوق نداشتند.

آزمون شاپیرو ویلک برای متغیر رضایت زناشویی و مؤلفه‌های آن معنی‌دار نبود ($P < 0/05$)، بنابراین متغیر رضایت زناشویی و مؤلفه‌های آن از توزیع نرمال تبعیت می‌کردند. آزمون لوین نیز معنی‌دار نبود و لذا فرض برابری واریانس‌ها برقرار بود ($P < 0/05$)، آزمون باکس نیز معنی‌دار نبود و لذا فرض برابری واریانس‌ها رعایت شده و بر این اساس استفاده

از آزمون تحلیل کواریانس برای آزمون فرضیه‌ی پژوهش امکان‌پذیر بود ($F = 2/8, P < 0/05$).

نتایج آزمون چندمتغیره پس آزمون مؤلفه‌های رضایت زناشویی حاکی از آن بود که شاخص اثر پیلایی ($F = 32/285$ و $Sig = 0/001$) معنادار است و لذا بین گروه آزمایش و کنترل از لحاظ پس آزمون نمرات کل مؤلفه‌های رضایت زناشویی با کنترل نمره‌ی پیش آزمون تفاوت معناداری وجود دارد. ضریب تأثیر بر اساس ضرایب پایه‌ای اتا، نیز نشان داد که ۹۵/۶ درصد تفاوت دو گروه در کل مؤلفه‌های رضایت زناشویی، مربوط به مداخله‌ی آزمایشی (زوج درمانی روابط موضوعی) است.

برای بررسی اثربخشی متغیر مستقل بر هر کدام از مؤلفه‌های رضایت زناشویی از آزمون تحلیل کواریانس چندمتغیره استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۲) شاخص‌های توصیفی متغیر رضایت زناشویی و مؤلفه‌های آن

گروه کنترل		گروه آزمایش		پس‌آزمون		پیش‌آزمون		گروه
انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
۱۱	۱۱۴/۰۶	۹/۲۳	۱۱۴/۶۹	۱۳/۱۷	۱۵۹/۸۲	۱۲/۵۱	۱۰۷/۵۹	رضایت زناشویی
۲/۵	۱۲/۶۳	۲/۳۵	۱۲/۷۵	۲/۵۶	۱۶/۷۳	۳/۰۵	۹/۵۹	موضوعات شخصیتی
۲/۴	۱۲/۹۴	۲/۳۳	۱۳/۰۶	۲/۱۷	۱۵/۵۵	۲/۲۶۸	۹/۶۴	ارتباط زناشویی
۲/۴۶	۱۳/۲۵	۲/۸۱	۱۳/۱۹	۲/۴۵	۱۷/۳۲	۲/۳۴	۸/۸۲	حل تعارض
۱/۹۶	۱۲/۶۳	۲/۱۲	۱۲/۶۹	۲/۶۶	۱۸/۱۴	۲/۵۳	۱۱/۶۴	مدیریت مالی
۱/۲	۱۳/۸۱	۱/۹۹	۱۳/۴۴	۲/۳۶	۱۸/۰۹	۲/۴۵	۱۳/۶۸	اوقات فراغت
۲/۰۶	۱۲/۱۳	۱/۴۳	۱۲/۰۶	۱/۹۹	۱۸/۸۲	۲/۰۶	۱۲/۱۸۲	روابط جنسی
۳/۰۶	۱۲/۲۵	۲/۶۳	۱۰/۴۴	۱/۵۸	۱۶/۰۵	۲/۴۴	۱۳/۰۹	ازدواج و فرزندان
۲/۳۸	۱۱/۶۹	۲/۱۸	۱۱/۳۱	۲/۷	۱۴/۸۲	۲/۶۴	۱۲/۱۸	ارتباط با نزدیکان
۲/۶۸	۱۱/۳۸	۲/۳۶	۱۱/۳۸	۲/۸۶	۱۷/۴۵	۲/۶۵	۱۲/۴۵	جهت‌گیری مذهبی

جدول ۳) نتایج اثرات بین‌آزمودنی تحلیل کوواریانس چندمتغیره مؤلفه‌های رضایت زناشویی

متغیرهای وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	آماره F	معناداری	ضریب اتا	توان آماری
رضایت از موضوعات شخصیتی	۳۰۵/۹۲۵	۱	۵۹/۴۶۵	۰/۰۰۱	۰/۸۲۹	۱
رضایت از ارتباط زناشویی	۱۹۳/۴۳۹	۱	۴۷/۶۸۲	۰/۰۰۱	۰/۵۷۷	۱
رضایت از حل تعارض	۴۹۹/۲۲۳	۱	۱۰۳/۵۲۶	۰/۰۰۱	۰/۷۴۷	۱
رضایت از مدیریت مالی	۳۷۹/۱۰۹	۱	۹۳/۳۶۸	۰/۰۰۱	۰/۷۲۲	۱
رضایت از اوقات فراغت	۲۳۷/۵۶۶	۱	۶۰/۳۱۲	۰/۰۰۱	۰/۶۳۳	۱
رضایت از روابط جنسی	۳۵۷/۱۵	۱	۹۱/۲۰۴	۰/۰۰۱	۰/۷۲۳	۱
رضایت از ازدواج و فرزندان	۶۹/۱۲۸	۱	۱۴/۱۱۷	۰/۰۰۱	۰/۲۸۷	۰/۹۵۵
رضایت از ارتباط با نزدیکان	۵۴/۸۶	۱	۱۱/۲۷۸	۰/۰۰۲	۰/۲۴۴	۰/۹۰۴
رضایت از جهت‌گیری مذهبی	۲۴۳/۱۱۷	۱	۴۴/۰۲۶	۰/۰۰۱	۰/۵۵۷	۱

آزمایش محاسبه گردید، به گونه‌ای که میانگین درصد بهبودی در گروه زوجین با عملکرد اجرایی پایین ۴۳/۲۸ و در گروه با عملکرد اجرایی بالا معادل ۵۶/۳۱ به دست آمد. هم‌چنین میانگین درصد بهبودی در گروه زوجین با انعطاف‌پذیری شناختی پایین معادل ۴۰/۷۲ و در گروه زوجین با انعطاف‌پذیری شناختی بالا معادل ۵۶/۰۸ به دست آمد سپس برای بررسی تفاوت درصد بهبودی در دو گروه فوق از آزمون تحلیل واریانس تک متغیره استفاده شد که نتایج آن در جداول زیر ارائه گردیده است:

بر مبنای آن چه در جدول ۳ مشاهده می‌شود، زوج درمانی مبتنی بر روابط موضوعی بر نمره تمام مؤلفه‌های رضایت زناشویی در مرحله پس‌آزمون تأثیر معنادار دارد و بیش از همه بر مؤلفه رضایت از موضوعات شخصیتی تأثیرگذار بوده است.

علاوه بر این برای بررسی نقش تعدیل‌گر عملکرد اجرایی، در اثربخشی درمان، ابتدا گروه آزمایش بر مبنای دو شاخص اصلی مقیاس ویسکانسین با توجه به نمره‌ی میانه به دو گروه با عملکرد اجرایی بالا و پایین (بر مبنای شاخص تعداد طبقات تکمیل شده و با نمره میانه معادل ۳) و هم‌چنین انعطاف‌پذیری شناختی بالا و پایین (بر مبنای شاخص خطای درجاماندگی و با نمره میانه معادل ۲۴) تقسیم شد و سپس درصد بهبودی برای هر یک از این طبقات در افراد گروه

جدول ۴) نتایج تحلیل واریانس جهت بررسی تفاوت درصد بهبودی بر اساس عضویت گروهی

متغیر تعدیل کننده	متغیر	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	معناداری
کارکرد اجرایی	درصد بهبودی رضایت زناشویی	۹۳۲/۸۰۷	۱	۹۳۲/۸۰۷	۴/۲۱۵	۰/۰۵
انعطاف پذیری شناختی	درصد بهبودی رضایت زناشویی	۱۲۵۴/۹۶۷	۱	۱۲۵۴/۹۶۷	۶/۱۱۶	۰/۰۲

همکاران(۳۱)، که اثربخشی گروه درمانی مبتنی بر زوج درمانی کوتاه مدت روابط ابژه را بر صمیمیت زناشویی مورد بررسی قرار داده و تأیید کردند همسو بود. به علاوه هنرپروران (۱۸) با نشان دادن اثربخشی رویکرد تلفیقی ایماگو تراگی و روابط ابژه بر کنترل عواطف زوجین خیانت-کار، شاکردولق و همکاران(۳۲)، که در مطالعه شان نشان دادند زوج درمانی روابط موضوعی کوتاه مدت بر بهبود عملکرد خانواده‌ی زوجین متقاضی طلاق اثرگذار است، نیز نتایج مشابهی را گزارش کردند. همچنین نتایج پژوهش فوق با یافته‌های مطالعات لاندای و فولی(۱۵) با نشان دادن اثربخشی روان درمانی پویایی بر زوجین مبتلا به اختلالات شخصیت، پولتون(۱۲)، با مضمون اثربخشی درمان‌های مبتنی بر روابط موضوعی بر روابط زوجین، و احمدی و همکاران(۱۶)، در پژوهشی که اثربخشی زوج درمانی ارتباط موضوعی کوتاه مدت بر الگوهای ارتباطی زوجین را بررسی کردند، همسو و همخوان بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت روابط موضوعی که از اصلی‌ترین مفاهیم نظریه‌های روان‌پویایی است، در تمامی جنبه‌های ارتباط بین فردی و تعامل اجتماعی نقش اساسی دارد. روان‌درمانگران پویایی بر تأثیر تجربه‌های گذشته تمرکز دارند و بخش‌هایی از خود را که در زندگی کنونی فرد اثرگذار هستند ولی ناهشیار بوده و به طور کامل شناخته نشده‌اند را تحلیل می‌کنند(۳۳). زوجین در روابط رمانتیک، ابژه‌های سرکوب شده‌ی درونی خود را بر روی یکدیگر فراقکنی می‌کنند و همسر خود را وادار به پذیرش این نقش از طریق فرآیند همانندسازی فراقکنانه می‌کنند(۳۴). و لذا در زوج درمانی مبتنی بر روابط موضوعی زوجین، می‌آموزند که با استفاده از کنترل صحیح خود در روابطشان از سیستم فراقکنی متقابل رها شوند و دیگری را آنگونه که هست، بپذیرند. و این بینش نسبت به الگوهای فراقکنی شده در روابط کنونی در محیط امن درمان، اساس تغییر در نظر گرفته می‌شود(۳۵).

به علاوه، اغلب زوجین متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره، با برونی‌سازی و اسناددهی بیرونی

به منظور بررسی تفاوت درصد بهبودی بر اساس عضویت گروه، دو مؤلفه‌ی سطح عملکرد اجرایی (بر مبنای شاخص تعداد طبقات تکمیل شده) و انعطاف‌پذیری شناختی (بر مبنای شاخص خطاهای درجا ماندگی)، به عنوان متغیر تعدیل کننده در نظر گرفته شد. نتایج جدول ۴ حاکی از این است که تفاوت معناداری ($F=4/215, p<0/05$) میان دو گروه زوجین با عملکرد اجرایی بالا و عملکرد اجرایی پایین وجود دارد و با توجه به تفاوت در میانگین درصد بهبودی مشاهده شده در متغیر رضایت زناشویی، در دو گروه، عملکرد اجرایی نقش تعدیل گر در اثر بخشی زوج درمانی روابط موضوعی داشته و عملکرد اجرایی بالاتر، به عنوان تعدیل گری اثربخشی درمان بر متغیر رضایت زناشویی را بهبود بخشیده است. و لذا فرضیه پژوهش مبنی بر نقش و تعدیل گر عملکردهای اجرایی زوجین، در اثربخشی زوج درمانی روابط موضوعی بر رضایت زناشویی زوجین، تأیید می‌گردد. علاوه بر این، نتایج جدول ۵ حاکی از این است که تفاوت معناداری ($F=6/116, p<0/05$) میان دو گروه زوجین با انعطاف‌پذیری شناختی بالا و انعطاف‌پذیری شناختی پایین وجود دارد و با توجه به تفاوت در میانگین درصد بهبودی مشاهده شده در متغیر رضایت زناشویی، در دو گروه، انعطاف پذیری شناختی نقش تعدیل گر در اثربخشی زوج درمانی روابط موضوعی داشته و انعطاف‌پذیری شناختی بالاتر، به عنوان تعدیل گری اثربخشی درمان بر متغیر رضایت زناشویی را بهبود بخشیده است.

بحث

پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی زوج درمانی مبتنی بر روابط موضوعی بر رضایت زناشویی زوجین متقاضی طلاق دارای سازمان‌بندی شخصیت مرزی سطح بالا در سال ۱۳۹۹ انجام گردید. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که زوج درمانی مبتنی بر روابط موضوعی، به شکل معناداری رضایت زناشویی و زیر مؤلفه‌های آن را در زوجین متقاضی طلاق دارای آسیب‌های سطحی شخصیت افزایش داده است. این یافته با یافته‌های پژوهش‌های جهان‌بخشیان و

هیجانان خود را تجربه نموده و در فضایی صمیمی تر و همدلانه‌تر، و با نگاهی تازه‌تر یکدیگر را کشف می‌نمایند و از سوی دیگر این فرآیند، مانعی برای تفسیرهای شخصی منفی در مقابل رفتارهای ناکام‌کننده‌ی زوجین ایجاد می‌نماید و لذا نهایتاً منجر به رضایت بیشتر زوجین از ابعاد مربوط به ویژگی‌های شخصی‌تری یکدیگر، ارتباط عاطفی و جنسی و سبک‌های حل تعارضشان و همچنین تصمیم‌گیری مشترک در باب مسائل مالی گردیده است.

به علاوه با توجه به یافته‌های آماری بدست آمده، تعداد طبقات تکمیل شده در آزمون ویسکانسین که نمایانگر عملکرد اجرایی و کارکرد لوب فرونتال فرد است، نقش تعدیل‌کننده‌ی اثر بخشی مثبت درمان در نمونه‌ی پژوهش داشته است. در بررسی ادبیات پژوهشی، مطالعه‌ای که به طور مستقیم به بررسی عملکرد اجرایی زوجین به صورت مستقل پرداخته باشد یافت نگردید. در تبیین این یافته می‌توان گفت عملکرد اجرایی، به انواع مهارت‌های شناختی مرتبط با هم سطح بالایی اطلاق می‌گردد که به فرد اجازه می‌دهد که بطور مستقل رفتارهای پیچیده و هدفمندی را انجام دهد که می‌تواند گستره عواملی همچون اراده، خودتنظیمی، برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، اقدامات هدفمند و عملکرد پویا را دربرگیرد (۳۷). این عوامل، توانمندی‌هایی هستند که سطوح پردازش عالی شناختی را شامل می‌شوند و لذا می‌توانند به پردازش و ادراک شخص از فرآیند و محتوای درمان و هم‌چنین افزایش اتحاد درمانی و هماهنگ شدن و به اجرا درآوردن اصول درمانی در تجربیات شخصی زوجین تأثیر به‌سزایی داشته باشند.

همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد که تعداد خطاهای درجامانگی در آزمون ویسکانسین که شاخصی برای تعیین میزان انعطاف‌پذیری شناختی فرد است، به عنوان تعدیل‌گر در اثر بخشی مثبت درمان عمل کرده است. این یافته با یافته‌های پژوهش کواستون (۳۸) که نشان داد انعطاف‌پذیری شناختی نقش تعدیل‌کننده‌ای در ارتباطات زوجین و حل تعارضاتشان دارد، همسو بود. بعلاوه با نتایج پژوهش مشایخ و عسگریان (۳۹)، که نشان دهنده‌ی رابطه‌ی مثبت معنادار بین انعطاف‌پذیری شناختی و مثبت‌اندیشی و صمیمیت زوجین بود، و همچنین عیسی‌زادگان و دوستعلی‌زاده (۱۷)، انعطاف‌پذیری شناختی را به عنوان عامل مهمی در ادامه

مشکلاتشان، مواجه هستند و علت تعارضات و ناسازگاری‌های خود را در عواملی بیرون از خود جستجو کرده و بینش کافی به عوامل زیر بنایی مسائل خود ندارند و به کرات دیده شده که در جریان مصاحبه در مورد بررسی تعارضات، نقش خود را در زمینه‌ی این آشفتگی‌ها نادیده می‌گیرند. در زوج درمانی مبتنی بر روابط موضوعی، تمرکز اصلی بر سازمان روانی و الگوهای روابط موضوعی فرد است که مجدداً در رابطه‌ی زناشویی امروز و اکنون بازتاب می‌یابد (۳۱)؛ و این تأکید جریان توجه فرد را به سوی دیدن نقش خود و هیجانان متأثر از بازنمایی‌های ابژه‌های ابتدایی و الگوهای روابط موضوعی منتقل شده از گذشته‌ی اولیه‌ی شخص در فرآیند زندگی مشترک و حل تعارضات هدایت می‌نماید تا زوجین به این بینش نائل شوند که بسیاری از تعارضات میان فردی‌شان می‌تواند نتیجه‌ی بازنمایی تعارضات درون روانی و یا انتقال الگوها، نقش‌ها و ابژه‌ها از نسلی به نسل دیگر باشد. و با عنایت به این مسأله، فرد فرصت می‌یابد که بپذیرد، خودش سناریوی زندگی‌اش را می‌نویسد و می‌تواند با پذیرش این مسئولیت، تغییرات مثبتی در رابطه ایجاد نماید.

همچنین با توجه به نتایج بدست آمده از یافته‌های پژوهش، زوج درمانی مبتنی بر روابط موضوعی، از میان مؤلفه‌های رضایت زناشویی، بیش از همه بر رضایت از موضوعات شخصیتی (با اندازه اثر ۸۲/۹)، رضایت از حل تعارض (با اندازه اثر ۷۴/۷) رضایت از ارتباط جنسی (با اندازه اثر ۷۲/۳)، و مدیریت مالی (با اندازه اثر ۷۲/۲) تأثیر گذاشته و بر ابعاد دیگر تأثیرگذاری به نسبت کمتری داشته است. این یافته با نتایج پژوهش مهریار و گل‌افروز (۲۰۱۷)، مبنی بر بررسی اثر بخشی گروه درمانی روان‌پویشی بر ابعاد شخصیتی زنان با رضایت زناشویی پایین، همسو بود (۳۶). در تبیین یافته‌ی فوق می‌بایست اشاره کرد که هسته‌ی مرکزی این درمان، بر پذیرش خود و آگاهی‌بخشی و بینش‌دهی به الگوهای رفتاری وابسته به ابژه‌های ابتدایی هر یک از زوجین است که در تعارضات مشترکشان نمود یافته است. به واقع در این رویکرد درمانی زوجین با کاهش دفاع‌ها و فرافکنی‌های خود، و بینش یافتن به الگوهای روابط ابتدایی و بازتاب آن‌ها و بررسی مثلث تمرکز و تعارض خود، در می‌یابند که هر یک در زندگی مشترک به دنبال دستیابی به نیازهایی هستند که در روابط ابتدایی ناکام مانده است (۱۲)، و به تبع این فرآیند،

تعارض منافع: نویسندگان هیچ گونه تعارض منافی ندارند.

منابع

1. Pourmeidani, S., Noori, A., SHafti, S.A. Relationship between life style and marital satisfaction. *Journal of family research*. 2014; 10(3): 331-334. [Persian]
2. Nazari, R., Karbalaie Mohammad Meigooni, A. Structural model of perfectionism, psychological well-being and marital adjustment. *JOURNAL OF APPLIED PSYCHOLOGY*. 2017; 11(3):411-432. [Persian]
3. Korporaal, M., Broese van Groenou, M., & Tilburg, T. Health Problems and Marital Satisfaction Among Older Couples. *Journal Of Aging And Health*. 2013; 25(8): 1279-1298.
4. Pourheidari, S., Bagherian, F., Dostkam, M. And Bahador Khan, c. The effect of life skills training on sexual and marital satisfaction in young couples. *Journal of Knowledge and Research in Applied Psychology*. 2013; 14(1): 22-14. [Persian]
5. Shiota, M. N., & Levenson, R. W. Birds of a feather don't always fly farthest: Similarity in Big Five personality predicts more negative marital satisfaction trajectories in long-term marriages. *Psychology and Aging*. 2007; 22(4): 666-675.
6. Fallahzadeh, H., Hashemi Gashnigani, R., Sadeghi, M. S., Mirzaei, M. Comparison of object relationships and perception of the relationship with the father in individuals seeking and not seeking divorce. *Clinical Psychology and Counseling Research*. 2016; 6 (1): 59-44. (Persian)
7. Honarparvaran, Nazanin. The effectiveness of the integrated approach of imago therapy and the relationship with the object on controlling the emotions of the unfaithful couple. *Psychological methods and models*. 2017; 8 (27): 28-15. [Persian]
8. Caligor, E., Kernberg, OF., Clarkin, JF. *Handbook of dynamic psychotherapy for higher level personality pathology*, 1th ed. Am psychiatrist publ. 2007.
9. Stern BS, Caligor E, Clarkin JF, Critchfield KL, Horz S, MacCornack V, Lenzenweger MF, Kernberg OF. Structured Interview of Personality Organization (STIPO): Preliminary Psychometrics in a clinical sample. *J Personal Assess*. 2010; 92:44-35.
10. Vizgaitis, A. L., & Lenzenweger, M.F. Pierced identities: Body modification, borderline personality features, identity and self-concept disturbances. *Personality Disorders: Theory, Research, & Treatment*. 2019, 10: 154-162.

زندگی مشترک و انتخاب سبک مقابله‌ی زوجین متقاضی طلاق معرفی کردند، و بررسی هیل (۴۰) که انعطاف‌پذیری شناختی را یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر رضایت زناشویی دانسته است، همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت انعطاف‌پذیری شناختی بالاتر می‌تواند منجر به سازگاری بیشتر زوجین با موقعیت‌ها، درک مقتضیات شرایط، تمایل به گفتگو، تحمل عدم توافق، تمایل به بخشش و سازگاری با تغییرات ارتباطی گردد (۳۹)؛ و لذا تمام این موارد، عواملی هستند که میزان تطابق و همکاری افراد به درمان را تحت تأثیر قرار می‌دهند و فرآیند زوج درمانی یکی از عمده‌ترین نمودهای تغییر الگوهای ارتباطی میان زوجین است. زوجین با انعطاف‌پذیری شناختی بیشتر، مقاومت کمتر و خشکی کمتری در مواجهه با پروسه‌ی زوج درمانی داشته و به میزان مؤثرتری با محتویات اصلاحی در ارتباط سازگار می‌گردند و ظرفیت بالاتری در پذیرش درمان دارند و لذا انعطاف‌پذیری شناختی می‌تواند نقش تأثیرگذاری در اثربخشی درمان داشته باشد.

بر مبنای آنچه مورد بحث قرار گرفت، این رویکرد، علاوه بر تأثیرگذاری بالینی و درمانی، پتانسیل فراهم نمودن نقشی رشدی و تحولی در ارتباط میان زوجین دارد و می‌تواند به عنوان مداخله‌ای مؤثر، در حل تعارضات زوجین دارای آسیب‌های سطحی شخصیت به کار بسته شود. به علاوه اضافه کردن ابعاد توانبخشی شناختی در جهت تقویت عملکردهای اجرایی زوجین، می‌تواند گامی مؤثر در افزایش مداخلات زوج درمانی در این سطوح باشد.

مهم‌ترین محدودیت این پژوهش را می‌توان عدم امکان سنجش افراد در مرحله‌ی پیگیری و بررسی ماندگاری درمان اجرا شده دانست. این امر به دلیل ریزش قابل ملاحظه‌ی زوجین گروه کنترل در بازه‌ی زمانی سه‌ماهه بعد از اجرای مداخله، ایجاد شد.

تشکر و قدردانی: نویسندگان قدردان همکاری مدیریت کلینیک مددکاری وفا است که در برقراری ارتباط بین پژوهشگر و زوجین مورد بررسی، و همچنین در اختیار گذاشتن امکانات خود، همدلانه همکاری نمود. همچنین نویسنده سپاسگزار تمامی زوجینی است که در اجرای پژوهش و پاسخگویی به مصاحبه‌ها و آزمون‌ها شرکت کرده و اطلاعات شخصی خود را در اختیار پژوهشگر قرار دادند.

24. Clarkin, J.F., Caligor, E., Stern, B.L., & Kernberg, O.F. Structured Interview for Personality Organization—Revised (STIPO-R). Unpublished manuscript, Weill Cornell Medical College. 2015.
25. Clarkin, J.F., Caligor, E., Stern, B.L., & Kernberg, O.F. Manual for the structured interview of personality organization-revised (STIPO-R). Unpublished manuscript, Weill Cornell Medical College. 2019.
26. Doering, S., Burgmer, M., Heuft, G., Menke, D., Baumer, B., Lubking, M., Feldmann, M., Horz, S., & Schneider, G. Reliability and validity of the German version of the Structured Interview of Personality Organization (STIPO). *BMC Psychiatry*. 2013; 13: 2010-2223.
27. Lezak, M. D. Handbook of Neuropsychological Assessment. 3rd Ed. New York: Oxford University Press; 5th edition. 2012.
28. Ghasemi, N., Kiani, A., Armored, A., Rabiee, M., Vakili, N. Investigating the difference between attention bias, executive function and reaction time in amphetamine users compared to non-amphetamine users. *Journal of Addiction Research on Substance Abuse*. 2012; 6 (23): 64-53.
29. Mehdipour, M., Sedaghatifard, M. Investigating the relationship between marital satisfaction and couple intimacy with adjustment at home. *Journal of Analytical-Cognitive Psychology*. 2015; 6 (22): 31-21. [Persian]
30. Ahmadpour, A., Khaledi, T. Comparison of marital satisfaction and marital intimacy of employed and non-employed married students of Islamic Azad University, Ahvaz Branch. *Journal of Mental Health Principles*. 2017;19 (3): 171-167. [Persian]
31. Jahanbakhshian, N., Rasooli, M., Tajik Ismaili, A., Sarami Foroushani, Gh. Comparison of the effectiveness of group therapy based on Bowen family systems with group therapy based on short-term couple therapy object relationships on marital intimacy of women. *Journal of Nursing and Midwifery*. 2019; 17 (3): 226-213. [Persian]
32. Shaker Dolaq, A., Afrooz, Gh. A., Narimani, M., Emamipour, S. The effectiveness of couple therapy short-term thematic relationships on improving the family performance of couples seeking divorce. *Journal of Behavioral Sciences*. 2014; 8 (2): 129-123.
33. Shedler, J. The Efficacy of Psychodynamic Psychotherapy. *American Psychological Association*. 2010; 65(2): 98-109.
11. Azizi, A., Ismaili, R., Dehghan Manshadi, M., Ismaili, S. The effectiveness of life skills training on marital satisfaction of divorced couples. *Iranian Journal of Nursing*. 2016; 29 (99-100): 33-22. [Persian]
12. Poulton, J. Object relations and relationality in couple therapy: the middle ground. 2013.
13. Mendelsohn, R. Five Types of “Couple Object-Relations” Seen in Couple Therapy: Implications for Theory and Practice. *The Psychoanalytic Review*. 2014; 101(1): 95-128.
14. Kerr, M. Living the theory, the family therapy. networked New York: Norton. 2013.
15. Landucci, J; & Foley, G. Couples Therapy: Treating Selected Personality Disordered Couples Within a Dynamic Therapy Framework. *Innov Clin Neurosci*. 2016; 11(3-4):29-36.
16. Ahmadi, Z., Ahmadi, S. A., Fatehizadeh, M. Evaluation of the effectiveness of short-term object relationship couple therapy on couple communication patterns. *Journal of family research*. 2006; 2 (6): 117-105. [Persian]
17. Isazadegan A, Dostalizadeh S. Comparing the cognitive flexibility, cognitive fusion, cognitive defusion in male and female divorce applicants. *Scientific Journal of Nursing, Midwifery and Paramedical Faculty*. 2020; 5(4): 15-26. [Persian]
18. Johnson, J. L., Kim, L. M., Giovannelli, T. S., & Cagle, T. Reinforcement sensitivity theory, vengeance, and forgiveness. *Personality and Individual Differences*. 2010; 4: 612-616.
19. Isquith, P., Roth, R., & Gioia, G. Contribution of Rating Scales to the Assessment of Executive Functions. *Applied Neuropsychology: Child*. 2013; 2(2): 125-132.
20. Schmeichel, B. J., & Tang, D. Individual differences in executive functioning and their relationship to emotional processes and responses. *Current Directions in Psychological Science*. 2015; 24(2), 93-98.
21. Ortega, L. A., Tracy, B. A., Gould, T. J., & Parikh, V. Effects of chronic low-and high-dose nicotine on cognitive flexibility in C57BL/6J mice. *Behavioral brain research*. 2013; 238: 134-145.
22. Donovan J. Short- term object relations couple therapy the five-step model. 2003. Translated by Tabrizi, M., Mazloumi, S., Faramarzi, A. & Alaei, P. Tehran: fararavan. 2015. [Persian]
23. Clarkin JF, Caligor E, Stern B, Kernberg OF. Structured Interview of Personality Organization. Personality disorders institute, Weil medical college of Cornell university. 2007.

34. Glick ID, Rait DS, Heru AM, Ascher MS. Couples and family therapy in clinical practice. 2016.
35. Mobassem, S., Delavar, A., Karami, A., Sanai, B., Shafiabadi, A. Evaluating the Effectiveness of Intensive Short-Term Dynamic Psychotherapy in Decreasing Marital Conflict in Women. *Journal of Clinical Psychology Studies*. 2013; 9: 102-81. [Persian]
36. Mehryar, M; Golafrooz, S. An investigation on the effectiveness of group psychodynamic psychotherapy on the personality dimensions in divorced and non-divorce woman with low marital satisfaction. *Journal of Fundamentals of Mental Health*. 2017; Aug-Sep; 19(5):384-93.
37. Randolph, J. J., & Chaytor, N. S. Promoting the executive functions: Core foundations, assessment considerations, and practical applications. In *Positive Neuropsychology: Evidence-Based Perspectives on Promoting Cognitive Health*, Springer. New York. 2013.
38. Koesten, Joy & Schrodt, Paul & Ford, Debra. Cognitive Flexibility as a Mediator of Family Communication Environments and Young Adults' Well-Being. *Health communication*. 2009; 24. 82-94.
39. Mashayekh F, and Asgarian M. Relationship between couples' intimacy and positive thinking with cognitive flexibility among married women. *Quarterly journal of social work*. 2019; 8 (2); 56-64. [Persian]
40. Hill, A. Predictors of relationship satisfaction: The link between cognitive flexibility, compassionate love and level of differentiation. Alliant International University, California School of Professional Psychology, Los Angeles. 2008.